

هستی‌شناسی ریاضی افلاطون در تفاسیر اسلامی و غربی

محمد ساکت نالکیاشری^۱، علی نقی باقرشاهی^۲

چکیده

ریاضیات همواره از علوم یقینی شمرده می‌شده است، اما اینکه معرفت ریاضی درباره چیست، همواره دغدغه ذهنی ریاضیدانان و فیلسوفان ریاضی بوده است. این نظریه که متعلقات ریاضی، اموری مجرد و مفارق از جهان ذهن و اندیشه ما هستند به افلاطون نسبت داده شده و عده زیادی از فیلسوفان واقع‌باور را با تمام اختلاف نظرهایشان افلاطون‌گرا نامیده‌اند. مفسران افلاطون، فلسفه ریاضی وی را چه از لحاظ هستی‌شناسی و معناشناسی، چه از لحاظ معرفت‌شناسی بطور شفاف و سازگار تفسیر نکرده‌اند و این امر باعث بدفهمی فلسفه ریاضی افلاطون و ابهام در کل فلسفه او گردیده است. از جمله، پریچارد، تفسیری از هستی‌شناسی افلاطون ارائه کرد که بموجب آن، متعلقات ریاضی همین محسوسات هستند. بر اساس این تفسیر، تمثیل خط به گونه دیگری تفسیر شده و ابهامات موجود در این تمثیل از میان می‌رود. ما در این نوشتار این تفسیر را بررسی می‌کنیم و آن را با سایر تفاسیر هستی‌شناسی ریاضی افلاطون مقایسه کرده و آثار آن را در کل فلسفه ریاضی افلاطون ملاحظه مینماییم و نشان می‌دهیم فلسفه ریاضی افلاطون برخلاف تفسیر

۱. دانشجوی دکتری گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول): sacketlan@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی abaqershahi@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۹



ستی آن درگیر معمای بناسراف نیست. بعلاوه، بر اساس استدلالهای صدرالمآلهین نظریه مثل بلحاظ هستی‌شناسی نظریه‌یی کاملاً سازگار است؛ نتیجه اینکه فلسفه ریاضی افلاطون فلسفه‌یی سازگار است.

کلیدواژه‌ها: افلاطون، واقع‌باوری، هستی‌شناسی، فلسفه ریاضی، تمثیل خط، معمای بناسراف، ملاصدرا

* * *

مقدمه

ریاضیات همواره از علوم یقینی شمرده شده و در عین حال، دستیابی به استنباط درست مفاهیم ریاضی نیز همیشه از اشتغالات ذهنی بشر بوده است. کسی در اینکه « $2+2=4$ » یا «مجموعه زوایای داخلی هر مثلث 180 درجه است» شک نداشته و ندارد. حقایق ریاضی از آنرو برتر از حقایق متغیر تجربی لحاظ شده که علاوه بر عینیت، واجد صفت ضرورت نیز شمرده شده است. اما اگر قضایای ریاضی عینی هستند، از چه حقایقی سخن می‌گویند؟ بعبارت دیگر، چه چیزی ضامن صدق قضایای ریاضی است؟ همین پرسش را دربارهٔ قضایای تجربی نیز میتوان طرح کرد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «قلم روی کاغذ قرار دارد» یک حقیقت عینی است، از اینروست که دو جسم خارجی، مستقل از خواسته‌ها و باورهای ما روابط فیزیکی خاصی با یکدیگر دارند. به سخن دیگر، وجود مستقل موضوع قضیه، عینیت آن را تضمین میکند. با این برداشت از عینیت، عینیت قضایای ریاضی مرهون چیست؟ چه چیزی است که موجب صدق قضیه « $2+2=4$ » میشود؟ بتعبیر کلیتر، اصلاً ریاضیات دربارهٔ چیست؟ نخستین پاسخی که به ذهن میرسد این است که ریاضیات به مطالعه اشیاء ریاضی می‌پردازد. چنین برداشتی از مسئله صدق را واقع‌باوری می‌خوانند.

بر اساس این برداشت، اشیاء ریاضی و روابط بین آنها موجب صدق یا کذب قضایای ریاضی میشوند. ریاضیدانان نیز معمولاً دارای چنین برداشتی از مسئله صدق در ریاضیات هستند و به قول لیمن برس^۱، ریاضیدان برجسته معاصر،

1. Lipman Bers